

# عقل اعتزالی، عقل اشعری

معنای عقل در اندیشه‌های

قاضی عبدالجبار معتزلی و ابوبکر باقلانی

■ فرزانه مصطفی پور ■

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



نقد فرهنگ

۱۴۰۱



## فهرست

پیش‌گفتار	۹
فصل اول: عقل در سنت اسلامی	۱۱
جایگاه عقل نزد فلاسفه	۱۳
جایگاه عقل نزد معتزله	۱۵
جایگاه عقل در کلام اشاعره	۱۸
فصل دوم: معناشناسی عقل نزد عبدالجبار و باقلانی	۲۳
جایگاه عبدالجبار معتزلی و دیدگاه وی درباره‌ی عقل	۲۳
زندگی‌نامه‌ی عبدالجبار معتزلی	۲۳
تالیفات عبدالجبار معتزلی	۲۳
دیدگاه عبدالجبار درباره‌ی عقل	۲۴
جایگاه ابوبکر باقلانی و دیدگاه وی درباره‌ی عقل	۲۹
زندگی‌نامه‌ی ابوبکر باقلانی	۲۹
تالیفات قاضی ابوبکر باقلانی	۳۰
عقاید و آرای ابوبکر باقلانی	۳۱
نظام فکری ابوبکر باقلانی	۳۲
روش و اسلوب ابوبکر باقلانی	۳۳
دیدگاه ابوبکر باقلانی درباره‌ی عقل	۳۵

۳۹.....	فصل سوم: مبانی نظری و عملی عقل نزد قاضی عبدالجبار معتزلی و ابوبکر باقلانی
۳۹.....	مبانی نظری و عملی عقل نزد قاضی عبدالجبار معتزلی
۳۹.....	معناشناسی عقل نزد قاضی عبدالجبار
۴۰.....	اقسام علوم
۴۱.....	مرتبۀ حس
۴۲.....	علوم ضروری و نظری
۴۴.....	ادراک عقلانی (علوم نظری)
۴۷.....	معنای دلیل و استدلال
۴۸.....	کارکردهای عقل نزد قاضی عبدالجبار
۴۸.....	کارکرد عقل نظری و عملی در حوزه ی اخلاق
۵۶.....	کارکرد عقل نظری و عملی در تفسیر متون
۶۳.....	کارکرد عقل نظری و عملی در مباحث اعتقادی
۸۵.....	ادله ی عقلی و نقلی عبدالجبار در اثبات حدود کلام الهی
۸۸.....	کارکرد عقل نظری و عملی در فقه
۹۳.....	مبانی نظری و عملی عقل نزد ابوبکر باقلانی
۹۳.....	معناشناسی عقل نزد ابوبکر باقلانی
۹۵.....	مراتب ادراکی
۹۶.....	مرتبۀ حس
۹۶.....	انواع استدلال
۹۷.....	انواع دلایل عقلی
۹۹.....	کارکردهای عقل نزد قاضی باقلانی
۹۹.....	کارکرد عقل نظری و عملی در اخلاق
۱۰۲.....	کارکرد عقل نظری و عملی در تفسیر متون
۱۱۳.....	کارکرد عقل نظری و عملی در مباحث اعتقادی
۱۱۹.....	کارکرد عقل نظری و عملی در علم فقه
۱۲۵.....	فصل چهارم: نتیجه گیری و ارزیابی
۱۲۵.....	مقدمه
۱۲۶.....	مبانی و پیش فرض ها
۱۲۷.....	مبانی معرفتی

## پیش‌گفتار

معتزله و اشاعره، هويت بخش تاريخ کلام اسلامى اند و بدون توجه به اين دو جريان، هر تبیینى از کلام اسلامى، ناقص و عقیم است. آنچه اين دو مکتب را از هم متمایز مى‌کند، بیش از هر چیز، رویکرد متفکران اشعری و معتزلى در مواجهه با عقل و چند و چون نسبت آن با وحى است. آن چنان که اين مسئله را مى‌توان مرز مشخصى در تفکیک اين دو مکتب کلامى دانست. بنا بر روايتى مشهور و البته نه چندان دقیق، معتزلیان، در تبیین و دفاع از آموزه‌های دین، همواره عقل را یار و همیار خود دانسته‌اند و اشعریان چندان اقبالی به آن نداشته‌اند و دین را از چشم انداز عقل تفسیر و تعبیر نکرده‌اند. اين ادعای کلی، بسیار مجمل و سر بسته است و اظهار نظر روشن و درست در باب آن مقدور نیست، مگر آنکه تا حد امکان واژه‌ی عقل در متون این متکلمان شناخته شده و معرفی شود. تعامل این دو گروه با عقل در دو حوزه‌ی عقل نظری و عقل عملی، امری رصد شدنی است، چنان که در هر دو حوزه، مجموعه‌ای از تعبیرهای مختلف پیرامون حجیت و کارکردهای عقل را مى‌توان شاهد بود.

حجم بسیار متون معتزلی و اشعری، مانع از آن است که همه‌ی متفکران این دو مکتب را یک جا شناخته و بررسی کرد. از این رو، دو چهره‌ی تأثیرگذار کلام معتزلی و اشعری— که هر دو نقطه‌ی عطفی در تدوین این دو مکتب بوده‌اند— مدنظر این پژوهش خواهد بود، تا از طریق این دو نمونه، بتوان به حکمی دقیق درباره‌ی حجیت و کارکردهای عقل نزد معتزلیان و اشعریان دست یافت. شاکله‌ی کلام اشعری را باید در نوشته‌های باقلانی جست و جو کرد و ساختار کلام معتزلی را در نوشته‌های

قاضی عبدالجبار همدانی. باقلانی، پل انتقال اندیشه‌ی ابوالحسن اشعری به نسل متأخر، همچون جوینی و غزالی و فخررازی است و قاضی عبدالجبار نیز، مدون و قالب‌ریز، تفکر معتزلیانی است که نوشته‌های پراکنده و نامنسجمی از ایشان به دست ما رسیده است. از این رو، تعریفی که این دوازده عقل داشته‌اند و اعتبار و کارکردی که برای عقل قائل بوده‌اند، چارچوبی در شناخت دقیق تراز کلام اسلامی را در اختیار خواننده خواهد گذاشت.